

آشنایی اجمالی با جراید فارسی مصر

در زمانی نه چندان دور، «فند پارسی» نه تنها در گستره فلات قاره ایران دامن گسترده و زبان تفاهم و تبادل افکار و منویات اقوام و ملل مختلف بود، بلکه تا اسکندریه و قاهره نیز پر کشیده و به اسلامبول و طرابوزان راه یافته بود و سلاطین بزرگ عثمانی در غرب و امپراتوران گورکانی در شبه قاره هند نیز آن را زبان شعر و مغالزه و فرهنگ و سیاست خود قرار داده بودند. در آن روزگاران زبان فارسی دری زبان رسمی همه دربارها بود و توده‌های ناآشنا به زبان یکدیگر نیز اغلب از طریق آن به نیت یکدیگر پی می‌بردند.

آری این زبان و ادبیات فارسی بود که از قاهره تا قندهار، از بمبئی تا باکو، از اسلامبول تا ایروان، از بین‌النهرین تا ماوراءالنهر در آسیای میانه و از تهران تا تفریس خیمه سلطنت زده بود و از مکتب‌خانه‌ها تا مدارس آموخته می‌شد و در همه این نقاط کتاب‌ها، جراید و روزنامه‌های فراوانی با این زبان انتشار می‌یافت.

تاکنون اهتمام چندانی به تاریخ این زبان دیرپای در حوزه‌های یاد شده صورت نگرفته است. به ویژه جراید و روزنامه‌های فارسی منتشر شده در بیرون از ایران چندان



مغفول مانده که جز شماری از نخبگان ویژه کار در تاریخ مطبوعات دیگر افراد اهل فضل حتی از وجود بسیاری از آنها ناآگاه مانده‌اند و این در حالی است که یکی از منابع اصلی تاریخ معاصر ایران و جهان همین جراید و روزنامه‌های فارسی منتشر شده در خارج از ایران هستند که به دلیل دور بودن از تاثیر و هیمنه حاکمان وقت ایران، مسایل و حوادث روزرا با آزادی بیشتری به نگارش کشیده و برای ما بر جای گذاشته‌اند.

با احساس چنین کمبود و کاستی بود که ما در **فصلنامه یاد تصمیم** گرفتیم تا در معرفی، جریان‌شناسی و آسیب شناسی مطبوعات و جراید فارسی برون مرزی قدمی برداریم و نخستین گام ما در این راه اختصاص دادن یکی از شماره‌های یاد به نقد و معرفی روزنامه **قانون** بود که زمانی در لندن منتشر می‌شد.

شماره حاضر به معرفی جراید و روزنامه‌های فارسی مصر اختصاص یافته است و شماره بعدی نیز تنه مطالب مربوط به جراید فارسی زبان مصر را در بر می‌گیرد و شماره بعد از آن به معرفی روزنامه اختر و دیگر جراید فارسی منتشر شده در اسلامبول و دیگر شهرهای عثمانی اختصاص خواهد یافت. اگر توفیق الهی همراهمان باشد این روند در مورد جراید فارسی نقاط دیگر دنیا و درون ایران نیز هم‌چنان ادامه پیدا خواهد کرد تا از این رهگذر هم به احیای نام این جراید کمکی کرده باشیم و هم خوانندگان و علاقمندان به تاریخ معاصر ایران با منابع جدید آشنا بشوند. چرا که این جراید به راستی یکی از منابع اصلی تاریخ معاصر محسوب می‌شوند.

به عنوان نمونه روزنامه پرورش را در نظر بگیرید که از ماه صفر سال ۱۳۱۸ هجری قمری به بعد به اهتمام میرزا علی محمدخان کاشانی (مدیر پیشین روزنامه ثریا در مصر) در قاهره منتشر می‌شده است. اگر کسی بخواهد راجع به موسسه موسوم به **شرکت اسلامیة** که به صورت شرکت سهامی جهت تولید و ترویج کالاهای وطنی در اصفهان راه‌اندازی شده بود، اطلاعات تاریخی به دست آورد، روزنامه پرورش قاهره یکی از منابع آن به شمار می‌رود. همانند نامه‌ها و اسناد متفرقه منتشر شده در شماره‌های مختلف این جریده درباره شرکت اسلامیة، در جاهای دیگر کمتر دیده می‌شود.



همچنین حوادث مربوط به سفر فرنگ مظفرالدین شاه و روابط ایران با عثمانی، روسیه و دولت‌های اروپایی که در ضمن این سفر مهم رخ نموده‌اند از موارد نادری هستند که در روزنامه پرورش قاهره با دقت کامل پیگیری و دنبال شده و منبعی ارزشمند برای علاقمندان به این موضوع را شکل داده است.

موضوعات دیگر نیز به همین منوال هستند و روزنامه پرورش منبع قابل اعتمادی در این باره محسوب می‌شود. البته جراید فارسی دیگر آن دوره مانند حکمت، ثریا، چهره‌نما، اختر، جبل‌المتین و... نیز همین اهمیت را دارند. و اصولاً فهم تاریخ دقیق و علمی انقلاب مشروطیت ایران و پیش‌زمینه‌های آن بدون مطالعه این جراید فارسی برون مرزی امکان پذیر نیست.

از آن‌جا که سرزمین مصر در انتقال تمدن اروپایی به جهان اسلام و ایران به دلیل تماس مستقیم آن با جهان غرب از طریق تهاجم نظامی ناپلئون و حضور نظامی انگلیس در آن‌جا، نقشی پیشگام دارد، زمینه انتشار روزنامه نیز در آن‌جا هم به لحاظ فنی و صنعتی و هم به لحاظ فکری و اجتماعی پیش‌تر فراهم بوده است.

در هر حال این شماره یاد درباره جراید و روزنامه‌های فارسی مصر می‌باشد که خواننده را به طور اجمالی با آن‌ها آشنا می‌سازد. تا آن‌جا که ما توانسته‌ایم شناسایی کنیم جراید فارسی منتشر شده در مصر که از قبل از مشروطه آغاز شده و تا سلطنت رضا شاه کم و بیش ادامه یافته است، از این قرار می‌باشد:

۱. روزنامه حکمت*

روزنامه حکمت اولین جریده است که به زبان فارسی در مصر منتشر شده است. این روزنامه در شهر قاهره با مدیریت میرزا مهدی خان زعیم‌الدوله معروف به دکتر تبریزی تأسیس و در سال ۱۳۱۰ هجری قمری با حروف سربی منتشر شده است. این روزنامه در حدود بیست سال در خارج از ایران هر ده روز یک مرتبه در ۸ صفحه به قطع خشتی ۱۴×۹ سانتیمتر انتشار یافته است.

زعیم‌الدوله تبریزی بالغ بر هشتاد سال عمر نموده و حدود شصت سال آن را در

*جراید فارسی آن دوره هر هفته یک بار و یا هر چند وقت یک بار منتشر می‌شدند و لذا «روزنامه» که هر روز

منتشر شود نبودند ولی اصطلاحاً آن‌ها را «روزنامه» می‌نامیدند.



مصر سکونت داشته است. وی در روز دوشنبه ۴ محرم سال ۱۳۳۳ هجری قمری در مصر از دنیا رفته و در همان جا به خاک سپرده شد.

حکمت علاوه بر اخبار، مقالات اندیشه‌ای، سیاسی و اقتصادی نیز دارد.

۲. روزنامه ثریا

روزنامه ثریا ابتدا در مصر و سپس در تهران و بعد از پیروزی انقلاب مشروطه در کاشان منتشر شده است. اولین شماره آن روز شنبه ۱۴ جمادی‌الآخر سال ۱۳۱۶ هجری قمری مطابق با ۲۹ اکتبر ۱۸۹۸ میلادی با مدیریت میرزا علی محمدخان کاشانی به زبان فارسی در مصر تاسیس و به صورت هفته‌ای یک بار روزهای شنبه طبع و روزهای یکشنبه توزیع می‌شده است.

این روزنامه در هر شماره خط مشی خود را چنین نوشته است: «ثریا روزنامه‌ای است که از هر گونه وقایع پولتیکی و سیاسی و علمی و فنون و صنایع و ادبیات و تجارت و غیره بحث می‌کند و نیز مقالاتی که نافع به حال دولت و ملت باشد به کمال ممنونیت طبع و نشر می‌نماید».

این روزنامه در سر مقاله یا «خطبه» شماره اول سال اول و سال دوم خود علاوه بر مدح حضرت رسول و ائمه دین بر خلفای راشدین نیز درود فرستاده است و علاوه بر مصر و ایران، در سراسر آسیا و اروپا توزیع می‌شده است (به صورت پستی).

بانی، مدیر، نویسنده و گرداننده آن علی محمدخان کاشانی یکی از روشنفکران مهاجر ایرانی بوده است ولی ظاهراً مساعدت و پشتیبانی مالی را شخصی به نام سید فرج‌الله تاجر کاشانی بر عهده داشته که مقیم مصر بوده است. به همین دلیل است که بعدها میان این دو نفر اختلاف به وجود آمده و موجب کناره‌گیری علی محمدخان از روزنامه ثریا گردید. ثریا به مدت هجده ماه با مدیریت و نویسندگی میرزا علی محمدخان منتشر شده که از کیفیت بالایی برخوردار است و ادبیات فاخری دارد. ولی، همان‌طور که مرحوم صدرهاشمی نیز یادآور شده است «پس از آن که نامبرده عدم دخالت خود را اعلام داشته به کلی از رونق افتاده است»

سید فرج‌الله کاشانی بعدها روزنامه ثریا را در تهران منتشر می‌کرد (از سال ۱۳۲۱ هجری قمری به بعد) ولی مشی آزادی‌خواهی را در آن تأثیر نمی‌داده است.



بعد از پیروزی انقلاب مشروطه ایران یعنی از اواخر سال ۱۳۲۷ هجری قمری روزنامه ثریا در کاشان به صورت یک نشریه محلی با مدیریت و دبیری **فرج الله الحسینی** که همان سید فرج الله کاشانی باشد، منتشر شده است که چندی بعد «فخرالواعظین» دبیر آن شده است اما این دفعه در مدایح مشروطه خواهان زیاده روی کرده است.

۳. پرورش

آن گونه که از بیوگرافی «میرزا علی محمدخان کاشانی» دانسته می شود، وی پس از کناره گیری اجباری از روزنامه ثریا بسیار دل آزرده و افسرده خاطر گردید و قصد مهاجرت از مصر نمود ولی با تشویق شماری از روشنفکران مقیم تهران و تبریز و رجال سیاسی ایرانی که در عثمانی و اروپا بودند مصمم شد نشریه دیگری را تاسیس نماید و لذا **روزنامه پرورش** را راه اندازی کرد که یکی از جراید پرمطلب و دارای ادبیات فاخر زبان فارسی می باشد.

شماره اول آن در تاریخ روز جمعه دهم ماه صفر سال ۱۳۱۸ هجری قمری در ۱۶ صفحه به قطع وزیری در قاهره منتشر شده است و به جاهای دیگر توسط پست می رسیده است.

در صفحه اول آن زیر نام روزنامه نوشته شده است: «این روزنامه آزاد و هفته ای یک روز، روز جمعه طبع می شود» بعدها جمعه تبدیل به دوشنبه شده است. این روزنامه تاثیر زیادی در بیداری مردم و نخبگان ایرانی و زمینه سازی انقلاب مشروطه داشته است. متأسفانه نمونه ای از همه شماره های آن به طور کامل در دست نمی باشد.

۴. روزنامه چهره نما

این روزنامه در ماه محرم سال ۱۳۲۲ هجری قمری مطابق با ۱۵ آوریل ۱۹۰۴ میلادی در ۱۶ صفحه به قطع وزیری و با حروف سربی در اسکندریه مصر منتشر شده است. در زیر عنوان «چهره نما» نوشته است: «روزنامه مصور و آزاد و بدون القاب» و نیز نوشته است «موقتاً ماهی دوبار بعد هفتگی» حوزه انتشار آن نیز ایران، عثمانی، هندوستان، قفقازیه، ترکستان، اروپا و چین اعلام شده است.

روزنامه چهره نما تا تاریخ ۲۰ رجب سال ۳۲۳ هجری قمری در اسکندریه منتشر می شد که در آن تاریخ بر اثر آتش سوزی چاپخانه آن دچار حریق شد و از بین رفت.



بنیانگذار و مدیر روزنامه که میرزا عبدالمحمد ایرانی ملقب به مودب السلطان از مردم اصفهان بود، انتشار آن را به شهر قاهره منتقل نمود. این روزنامه از روز تاسیس اش توسط مدیر آن مودب السلطان به مدت سی و دو سال تمام در مصر منتشر می‌شد و پس از درگذشت او توسط فرزندش «آقای مودب زاده ایرانی» ادامه انتشار پیدا کرد و تقریباً به همه نقاط ایران می‌رسیده است.

روزنامه چهره‌نما یکی از جراید تاثیرگذار در اوضاع سیاسی، فکری، فرهنگی ایرانیان بوده است. در آن اوایل دو حادثه موجب خسارت مالی آن گردید و تا مرز تعطیل شدن آن را تهدید نمود، ولی به هر حال چهره‌نما از آن دو بحران عبور کرد. یکی از آن‌ها **واقعه وبای عمومی** بود که در ایران اتفاق افتاد و مشتریان ثابت روزنامه را پراکنده ساخت و دیگر دستور توقیف و ممنوعیت ورود آن به داخل ایران در بخشی از زمان بود که توسط شاهزاده عین‌الدوله صدر اعظم مظفرالدین شاه صورت گرفت و موجب خسارت گردید، ولی پس از مدتی با وساطت میرزا حسن رشديه در نزد عین‌الدوله از آن رفع توقیف شد.

۵. روزنامه کمال

این روزنامه ابتداء توسط میرزا حسین طبیب‌زاده در ۱۰ ماه رجب سال ۱۷ هجری قمری در تبریز منتشر شد. طبیب‌زاده مدیر مدرسه کمال در تبریز بود و اسم این روزنامه را نیز **کمال** گذاشت. از این جریده جمعیاً ۲۹ شماره تا ۲۱ شوال ۱۳۱۸ هجری قمری در تبریز منتشر شد که با خط نستعلیق و در قطع کوچک خشتی در ۸ صفحه در روزهای جمعه منتشر می‌شد.

میرزا حسین طبیب‌زاده معروف به کمال بعد از سخت‌گیری‌هایی که در تبریز دید و مدرسه‌اش نیز بسته شد به مصر مهاجرت نمود و در سال ۱۳۲۳ هجری اقدام به انتشار مجدد روزنامه کمال در قاهره نمود. او تا سال ۱۳۲۹ هجری قمری در آن‌جا بود که بعد از آن به ایران بازگشت و در تبریز اداره **روزنامه تبریز** را بر عهده گرفت. اکنون نمونه‌هایی از روزنامه کمال در اختیار می‌باشد.

۶. مجله رستاخیز

این مجله به مدیریت و صاحب امتیازی **عبدالله رازی** در سال ۱۳۴۲ هجری قمری



مطابق ۱۳۰۲ هجری شمسی به صورت ماهیانه و به زبان فارسی در قاهره مصر تاسیس و به مدت حدوداً سه سال جمعا در ۱۸ شماره غیر مرتب منتشر شده است. در این جریده گرایش خاص و تندی راجع به احیای مفاهیم و آیین زردشتی مشاهده می‌شود. در شماره اول و سوم آن راجع به هدف مجله آمده است که هدفشان «عبارتست از زنده بودن تاریخ و ادبیات ایران و دانستن عادات و آداب ایرانیان از زمان قدیم الی کنون و...»

با این حال رستاخیز به عنوان مجله‌ای، علمی، ادبی، اقتصادی و فلسفی معرفی شده است. مدیر این مجله گرایش هوادارانه ویژه‌ای به رضاخان پهلوی هم دارد چنان‌که بعدها پس از تعطیلی مجله‌های رستاخیز و سودمند، گویا مجله «عصر پهلوی» را منتشر ساخت.

مجله رستاخیز به دلیل مواضع تند اسلام‌گريزانه موجب واکنش‌های اجتماعی در ایران و به ویژه در میان روحانیون گردید که منجر به تعطیلی آن شد. در این رابطه سواد نامه‌ای موجود است که «جامعه دیانت قزوین» آن را خطاب به میرزا ابوعبدالله زنجانی (مؤلف کتاب تاریخ القرآن) و دیگر علمای آن شهر زنجان نوشته‌اند و گویای مورد منازعه و مسئله‌دار بودن مجله رستاخیز است و کلیشه آن در پایان این مقاله درج شده است. دسترسی به این نامه را مدیون میرزا صادق ضیایی فرزند علامه میرزا ابوعبدالله زنجانی هستیم.

۷. مجله سودمند

مجله سودمند یا مجله نامه سودمند پس از تعطیل شدن مجله رستاخیز توسط مدیر آن عبدالله رازی در سال ۱۳۰۵ هجری شمسی به جای رستاخیز در ۵۶ صفحه به قطع خشتی در قاهره مصر روی کاغذ بسیار خوب و با چاپ اعلی منتشر شده است و در همان شماره اول قول داده است: «به هیچ وجه من الوجوه مطالب سیاسی و مذهبی درج نخواهد گردید»

و اظهار امیدواری کرده که «در ایران در میان جوانان جدی و با ذوق به خوبی رواج گیرد و به مانعی برنخورد».

از این مجله مجموعاً ۲۴ شماره منتشر شده که ۱۸ شماره آن در مصر و ۶ شماره



آن در تهران منتشر شده است. چرا که از آذرماه ۱۳۰۹ شمسی محل اداره آن از قاهره به تهران منتقل شده است.

«مرحوم محمدصدرهاشمی» نوشته‌اند که شش شماره آن نیز به اسم عصر پهلوی منتشر شده که متأسفانه نگارنده نتوانستم به نسخه‌ای از آن دسترسی پیدا کرده و رویت نمایم. نکته پایانی این که تصمیم ما بر این بود که مطالب مربوط به جراید فارسی زبان مصر در یک شماره یاد بررسی شود، ولیکن بر اثر حجم زیاد مطالب و عدم گنجایش، شماره بعدی یاد نیز حاوی مطالب مربوط به جراید مصر خواهد بود. ■

ابوالفضل شکوری





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی